



Frequency Analysis of the Term "Sīrah" in the Literature of Shi'a (Imami) Jurists with an Emphasis on the Doctrines of the Jurisprudence of Acts of Worship (Fiqh al-ʿIbādāt)

Mahdi Mardani Golestani¹ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Razavi Research Institute of Islamic Sciences, Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi, Mashhad, Iran. Email: mahdi_mardani@islamic-rf.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24
November 2025

Revised: 9 December
2025

Accepted: 19 February
2026

Available online 24
February 2026

Keywords:

Sīrah of the Infallible (Sīrat al-Maʿšūm), Jurisprudence of Acts of Worship (Fiqh al-ʿIbādāt), Sources of Juristic Inference, Approach of Jurists.



ABSTRACT

The term "Sīrah" (conduct/practice) is one of the most widely used Islamic concepts that has applicability in various fields, especially Shi'a (Imami) jurisprudence. Shi'a jurists, in accordance with their utilization of the sources of juristic inference, have employed this religious term and have cited it as evidence (*Dalīl*) or a contextual indicator (*Qarīneh*) for a religious ruling. However, the main question is: has the use of the term *Sīrah* by jurists been limited and occasional, or has it occurred extensively and at the level of a scientific term? The present research attempts, through a library-based method and by examining the application of the term *Sīrah* in the texts of the jurisprudence of acts of worship (*Fiqh al-ʿIbādāt*), to demonstrate the extent of Shi'a jurists' use of this term. For this purpose, using the comprehensive Jurisprudence of Ahl al-Bayt software and searching for the keyword *Sīrah* in discursive jurisprudential works from the fifth to the fifteenth century AH on the subject of acts of worship, the relevant works were examined. The research findings indicate that the application of the term *Sīrah* in the literature of Shi'a jurists has had two distinct periods. First, a period in which the use of the term *Sīrah* was limited and infrequent. Second, a period in which reliance on *Sīrah* increased and expanded to the level of a jurisprudential term. This evolution has been influenced by a set of factors, the most important of which is the belief in the efficacy of *Sīrah* in Shi'a jurisprudence. This factor ultimately led to the consolidation of the position of *Sīrah* in the literature of Shi'a jurists and its elevation from a religious term to a scholarly term.

Cite this article: Mardani Golestani, M. (2026). Frequency Analysis of the Term "Sīrah" in the Literature of Shi'a (Imami) Jurists with an Emphasis on the Doctrines of the Jurisprudence of Acts of Worship (Fiqh al-ʿIbādāt). *Jurisprudence of worship Doctrines*, 7(12), 155-180. <https://doi.org/10.30513/jwd.2026.7829.1279>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه با تکیه بر آموزه‌های فقه‌عبادی

مهدی مردانی گلستانی^۱

۱. نویسنده مسئول، استادیار، پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: mahdi_mardani@islamic-rf.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

واژه سیره از پرکاربردترین مفاهیم اسلامی است که در حوزه‌های مختلف به ویژه فقه شیعه کارایی دارد. فقیهان شیعه به تناسب بهره‌گیری از منابع استنباط، از این واژه دینی استفاده نموده و به عنوان دلیل یا قرینه حکم شرعی بدان استناد کرده‌اند. اما پرسش اصلی آن است که استفاده فقها از واژه سیره به صورت محدود و موردی بوده یا به گونه‌ای گسترده و در تراز یک اصطلاح علمی رخ داده است؟ پژوهش پیش‌رو تلاش دارد تا به روش کتابخانه‌ای و از طریق بررسی کاربرد واژه «سیره» در متون فقه‌عبادی، میزان استفاده فقیهان شیعه از این واژه را نشان دهد. برای این منظور، با استفاده از نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت و جست‌وجوی کلیدواژه «سیره» در کتب فقه استدلالی، آثار فقهی قرون پنجم تا پانزدهم هجری در موضوع عبادات مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کاربرد واژه سیره در ادبیات فقیهان شیعه، دو دوره متفاوت داشته است: نخست، دوره‌ای که بهره‌گیری از واژه سیره به شکل محدود و اندک انجام می‌گرفت و دوم، دوره‌ای که استناد به سیره افزایش یافت و در سطح یک اصطلاح فقهی گسترش پیدا کرد. این تطور، متأثر از مجموعه عواملی است که مهم‌ترین آن‌ها باور به کارآمدی سیره در فقه شیعه است؛ عاملی که در نهایت به تثبیت جایگاه سیره در ادبیات فقیهان شیعه و ارتقای جایگاه آن از یک واژه دینی به یک اصطلاحی علمی انجامید.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۴/۱۲/۰۵

کلیدواژه‌ها:

سیره معصوم، فقه‌عباده، منابع استنباط، رویکرد فقیهان.



استناد: مردانی گلستانی، مردانی. (۱۴۰۵). تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه با تکیه بر آموزه‌های فقه‌عبادی. *آموزه‌های فقه‌عبادی*، ۷(۱۲)، ۱۵۵-۱۸۰. <https://doi.org/10.30513/jwd.2026.7829.1279>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

بررسی پیشینه واژگان دینی و تحلیل کاربردهای آن‌ها در متون مختلف، از مسائلی بنیادین در پژوهش‌های دینی است. یکی از واژه‌های پرکاربرد در متون اسلامی، واژه «سیره» است که در حوزه‌های گوناگون، از جمله فقه شیعه، کاربرد داشته است. فقیهان شیعه، متناسب با بهره‌گیری از منابع استنباط، از این واژه استفاده کرده و آن را به عنوان دلیل یا قرینه کشف حکم شرعی مورد استناد قرار داده‌اند. با این حال، آنچه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، گستره بهره‌گیری فقیهان شیعه از این منبع دینی است. به عبارت دیگر، این پرسش اصلی مطرح است که آیا استفاده فقیهان شیعه از سیره محدود و گزینشی بوده است یا آنکه به گونه‌ای گسترده و مبسوط از آن بهره گرفته‌اند؟

مقاله حاضر در پی آن است که به روش کتابخانه‌ای و از طریق بررسی کاربرد واژه «سیره» در منابع فقهی، میزان بهره‌گیری فقیهان شیعه از این واژه را روشن سازد و دلایل رونق یا رکود بهره‌گیری فقیهان از سیره را تبیین کند. بدین منظور، با جست‌وجوی کلیدواژه «سیره» در بخش کتاب‌های فقه استدلالی نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت، ۴۸۷ عنوان کتاب فقهی در موضوع عبادات به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد و داده‌های به دست آمده بر پایه مجموعه‌ای از پرسش‌ها تحلیل و ارزیابی گردید.

۱. با توجه به گستردگی کتاب‌های فقهی شیعه، بررسی تک‌تک این منابع برای یافتن موارد بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» عملی نیست. بنابراین، با استفاده از فهرستی از کلیدواژه‌های مرتبط، موارد کاربرد واژه «سیره» در متون فقهی شیعه شناسایی و استخراج شد. در این فرایند، به ترکیب واژه «سیره» با القاب معصومان و نیز پسوندها و پیشوندهای رایج توجه ویژه‌ای صورت گرفت؛ چنان‌که واژه‌های «السیره» و «سیره» به صورت ترکیب منفصل با کلمات «الإمام، الأئمه، المعصوم، اهل‌البیت، المعصومین، امیرالمومنین، رسول‌الله، الرسول، النبی و النبویه» به کار برده شد (مانند «سیره‌النبی») و واژه‌های «بسیره»، «سیره»، «سیرتهم»، «السیره» و «بالسیره» به صورت مستقل جست‌وجو شد. البته استفاده فقهای شیعه از سیره معصوم، محدود به واژه «سیره» نیست و برخی از ایشان بدون التزام به این واژه نیز از رفتار معصومان بهره گرفته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۲۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۲۸)؛ لیکن کاربرد واژه «سیره» در متون فقهی شیعه، نشان‌دهنده قدر متیقن بهره‌گیری فقها و - تا حد زیادی - گستره کارایی این منبع دینی است.

با در نظر گرفتن مسئله، دامنه و روش تحقیق، اثر جامع و مستقلی در این باره به دست نیامد. تنها در برخی آثار منتشر شده، نمونه‌هایی از تعامل فقها با سیره معصوم ارائه شده است. چنان که منصور داداش نژاد و مرضیه سادات هاشمی در مقاله «بازکاوی روش فقهی محقق حلی در استناد به سیره رسول خدا ﷺ»، ضمن بررسی استنادات محقق حلی به سیره نبوی، روش فقه‌های وی در استنباط از سیره را ارزیابی کرده‌اند. همچنین راضیه امینی، فتاح فتاحی و انانی، مصطفی بیگدلی و مهران خادم در رساله‌های دکتری خود با عنوان مشابه «تحلیل رویکرد عملی فقیهان امامیه در مواجهه با سنت فعلی»، به بررسی آرای فقیهان شیعه در ابواب مختلف فقهی پرداخته‌اند. با این حال، هیچ‌یک از آثار یاد شده به تبیین بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» نپرداخته و بسامد و گستره آن را در فقه عبادات بررسی نکرده است. افزون بر این، تحلیل دلایل رویکرد حداقلی یا حداکثری فقها به سیره معصوم و نیز تبیین چرایی فراز و فرود بهره‌گیری فقیهان شیعه از سیره معصوم، از جمله امتیازات این مقاله به شمار می‌آید.

۱. مفهوم‌شناسی

کلمه «بسامد» واژه‌ای فارسی است که در علوم مختلف، از جمله زبان‌شناسی، آمار و تحلیل محتوا، کاربرد دارد. معنای اصلی «بسامد»، تعداد تکرار یا فراوانی وقوع یک واژه، مفهوم یا پدیده در یک متن یا مجموعه داده است. برای مثال، هنگامی که گفته می‌شود «بسامد واژه سیره در فقه شیعه»، مقصود آن است که فقها چند بار و تا چه اندازه از واژه «سیره» در آثار خود استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر، مفهوم «بسامد» ناظر به تعداد کاربرد و میزان رواج یک واژه در متون مورد بررسی است.

منظور از «فقه عبادی» آن دسته از آموزه‌های فقهی است که به بخش عبادات مربوط می‌شود؛ یعنی اعمالی که به قصد به دست آوردن منفعت یا دفع ضرر اخروی انجام می‌گیرند. این مسائل در ده باب مطرح می‌شوند که عبارت‌اند از: (۱) کتاب طهارت، (۲) کتاب صلاة، (۳) کتاب صوم، (۴) کتاب اعتکاف، (۵) کتاب زکات، (۶)

تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه... / مهدی مردانی گلستانی..... ۱۵۹

کتاب خمس، ۷) کتاب حج، ۸) کتاب عمره، ۹) کتاب جهاد و ۱۰) کتاب امر به معروف و نهی از منکر.

واژه «سیره» از جهت هیئت کلمه، مصدر نوعی از ماده «سیر» و به معنای نوع رفتن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۹) و از جهت ماده کلمه، به معنای رفتن و حرکت کردن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۲). در واقع، واژه «سیره» دارای دو بخش معنایی است: نخست، «حرکت و جریان» که از ماده کلمه گرفته می شود، و دوم، «سبک و نوع حرکت» که از هیئت کلمه به دست می آید. با این حال، برای شناخت معنای اصطلاحی «سیره» باید به کتاب های فقهی شیعه مراجعه کرد و با بررسی استعمالات آن در دو سطح «عناوین» و «متون»، مفهوم آن را تحلیل نمود.

یکی از سطوح کاربرد واژه «سیره»، عناوین ابواب و کتاب های فقهی است؛ زیرا عناوینی که صاحبان آثار برای کتاب های خود برمی گزینند، حاوی اطلاعات ارزشمندی هستند که در ابعاد مختلف متن شناسی، از جمله مفهوم شناسی، به کار می آیند. برای مثال، سید مرتضی (۴۳۶ ق) برای نمایاندن مضمون فصلی که به بیان سلوک عملی حج می پردازد، از واژه «سیره» استفاده کرده و آن را «فصل فی سیره الحج و ترتیب أفعاله» نامیده است (سید مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷). ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ ق) در بیان شیوه جهاد کردن از این عنوان بهره گرفته و بخشی از کتاب خود را با عبارت «فصل فی سیره الجهاد» نام گذاری کرده است (حلبی، بی تا، ص ۲۴۷). شیخ طوسی (۴۶۰ ق) نیز نام برخی از فصول آثار فقهی خود را «کتاب الجهاد و سیره الإمام» نهاده و در آن به بیان وظایف شرعی امام معصوم علیه السلام در هنگام جهاد پرداخته است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲). همچنین قطب راوندی (۵۷۳ ق) یکی از ابواب کتاب الجهاد را «باب حکم المحاربین و السیره فیهم» نام گذاری کرده است (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۶۵).^۱

«متون فقهی» سطح دیگری از کاربرد واژه «سیره» است که به شناخت مفهوم اصطلاحی آن کمک می کند. در این زمینه، مطالعه مصادیق مورد استناد فقها روشی

۱. شایان ذکر است که جستجوی واژه «سیره» در کتب اصولی شیعه آورده ای نداشته است؛ زیرا این تعبیر در کتب اصول فقه بیشتر برای «سیره عقلاء» یا «سیره متشرعه» اصطلاح شده است، (موسوی قزوینی، ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۴۶۴).

است که اطلاعات مفهوم‌شناسانه مهمی را در اختیار قرار می‌دهد. این مصادیق اگرچه به صورت مستقیم در کتاب‌های فقهی ذکر نشده‌اند، پی‌جویی آن‌ها در منابع کهن تا حدودی مقصود فقیهان از مفهوم «سیره» را آشکار می‌سازد. برای مثال، محقق حلی (۶۷۶ق) برای تعریف انفال و تعیین قلمرو آن، به سیره پیامبر ﷺ استناد کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۳). پی‌جویی روایت مورد نظر در منابع روایی شیعه نشان می‌دهد که منظور ایشان از «سیره»، فعل مستمر حضرت در اخذ غنائم فاخر بوده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۱۰). همچنین علامه حلی (۷۲۶ق) در مسئله عدم جواز اخذ غنیمت از اموال اهل بغی، به سیره امیرالمؤمنین ﷺ استناد کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۲۰۴). بررسی مصداق مورد نظر نشان می‌دهد که مقصود وی از «سیره»، سبک رفتاری امیرالمؤمنین ﷺ در مواجهه با اصحاب جمل بوده است (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۴۲۴). نمونه دیگر، دیدگاه صاحب جواهر درباره جواز جداسازی زکات از اموال مردم است. ایشان با استناد به سیره پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ، قائل به جواز جداسازی اموال توسط مالک شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۴۱۶). مطالعه مصداق مورد نظر نشان می‌دهد که منظور ایشان از «سیره»، رفتار مستمر پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ در اعزام کارگزاران منصوب بوده است (محدث بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۲۲).

با توجه به مصادیق کاربرد واژه «سیره» در متون فقهی شیعه، چنین به دست می‌آید که این واژه در ادبیات فقیهان شیعه بر سه ویژگی «فعل»، «استمرار» و «تشریح» تکیه دارد و به معنای رفتار مستمری است که در حوزه تشریح صادر شده باشد.

۲. ادوار کاربرد واژه «سیره»

بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» دو دوره متفاوت را پشت سر گذاشته است: دوره نخست، از سده پنجم تا دوازدهم هجری، و دوره دوم، از سده سیزدهم تا پانزدهم هجری.^۱ دوره نخست با بهره‌گیری محدود از واژه «سیره» شناخته می‌شود، در حالی

۱. شایان ذکر است که دامنه زمانی این تحقیق، بین قرون پنجم تا پانزدهم هجری است و از شیخ طوسی (۴۶۰ق) تا آیت الله خویی (۱۴۱۳ق) را در بر می‌گیرد.

تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه... / مهدی مردانی گلستانی..... ۱۶۱

که در دوره دوم، استفاده از این واژه به صورت گسترده تری رواج یافته است. البته داوری درباره حد اقلی یا حداکثری بودن بهره گیری فقها از واژه «سیره» نیازمند معیارهایی است که این فراز و فرود تاریخی را نشان دهد. بدین منظور، دو شاخص «شمار فقیهان شیعه» و «تعداد کاربرد واژه سیره» در ارزیابی سیر تاریخی کاربرد این واژه مورد توجه قرار گرفته و برای تعیین میزان بهره گیری فقها از آن به کار رفته است.

۲-۱. دوره رکود

نخستین دوره بهره گیری فقهی از واژه «سیره» با رویکردی حد اقلی همراه است. گواه این امر، شمار اندک فقها و دامنه محدود استنادهایی است که در این دوره به واژه «سیره» صورت گرفته است. تعداد فقیهانی که در سده های پنجم تا دوازدهم هجری از این واژه بهره گرفته اند، به مراتب کمتر از شمار فقیهان شیعه در سده های بعدی است. همچنین تعداد استنادهایی که در این دوره به واژه «سیره» انجام شده، بسیار کمتر از استنادهای صورت گرفته در دوره های پسین است. به گونه ای که از مجموع ۳۵ فقیهی که از واژه «سیره» استفاده کرده اند، تنها ۶ نفر در این دوره حضور داشته اند و از مجموع ۱۰۹ مورد استناد به این واژه، فقط ۱۲ مورد، معادل ۱۱ درصد، به این دوره اختصاص دارد.

۲-۱-۱. دوره سکوت

استنباط از سیره معصوم در قرون آغازین فعالیت فقیهان شیعه، یعنی قرون پنجم و ششم هجری، جایگاه برجسته ای نداشته است و فقیهانی مانند ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق)، شیخ مفید (۴۱۳ق)، قطب الدین راوندی (۵۷۰ق)، ابن زهره (۵۸۵ق) و ابن ادریس حلی (۵۹۸ق) عملاً اهتمام چندانی به بهره گیری فقهی از واژه «سیره» نشان نداده اند. تنها برخی از فقها، مانند ابن ابی عقیل (۳۲۹ق) (عمانی، ۱۴۱۳، ص ۲۰۱) و شیخ طوسی (۴۶۰ق) (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، خلاف، ج ۲، ص ۳۲۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، مبسوط، ج ۴، ص ۳۲۸)، بدون آنکه به صراحت از واژه «سیره» استفاده کنند، در مباحثی همچون آداب سجده، کیفیت طواف و تقسیم بیت میان زنان، از افعال معصومان برای استنباط آموزه های فقه عبادی بهره برده اند.

۲-۱-۲. اقدام آغازین

بهره‌گیری صریح فقیهان شیعه از واژه «سیره» از قرن هفتم هجری و با محقق حلی (۶۷۶ق) آغاز می‌شود. این امر نشان می‌دهد که سیره معصوم در رسدۀ آغازین عصر غیبت هنوز جایگاه تثبیت شده خود را نیافته بود و به عنوان یکی از منابع استنباط به طور رسمی شناخته نمی‌شد. محقق حلی در کتاب «شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام» و سپس در «المعتبر فی شرح المختصر»، با به کارگیری واژه «سیره»، از سیره معصوم به عنوان یکی از ادله استنباط احکام فقهی بهره می‌گیرد. برای نمونه، وی در کتاب الجهاد و در بحث «تصرف در اموال اهل بغی»، به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام استناد کرده است. او در این مسئله، از سیره امام علی علیه السلام برای تقویت نظریه جواز تصرف در اموال شورشیانی که در اختیار لشکر قرار گرفته است استفاده کرده و این دیدگاه را «اظهر» دانسته است (محقق حلی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۰۸).

۲-۱-۳. دوره تثبیت

در رسدۀ هشتم هجری، دو تن از فقیهان نامدار شیعه از واژه «سیره» برای استنباط آموزه‌های فقه عبادی بهره می‌گیرند. نخست، علامه حلی (۷۲۶ق) در کتاب «منتهی المطلب فی تحقیق المذهب» و نیز کتاب «تذکره الفقهاء»، سیره معصوم را به عنوان یکی از منابع اجتهاد معرفی می‌کند. سپس شهید اول (۷۸۶ق) در کتاب «الدروس الشرعیة» به بهره‌گیری فقهی از سیره پرداخته و در مقام استنباط، از واژه «سیره» استفاده می‌کند.

برای نمونه، علامه حلی در کتاب الجهاد و در بحث «تصرف در اموال اهل بغی»، برای اثبات حرمت تصرف در اموال شورشیان از سیره امام علی علیه السلام استفاده می‌کند. وی با این استدلال که امام علی علیه السلام در جنگ‌های خود با شورشیان مسلمان (مانند جنگ جمل)، اموال آنان را به عنوان غنیمت اخذ نکرد و اجازه تقسیم آن‌ها را نیز نداد، به عدم جواز تصرف در اموال ایشان فتوا می‌دهد (علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۲۰۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۴۲۴).

همچنین شهید اول در مسئله تصرف در اموال اهل بغی، به سیره امام علی علیه السلام در

تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه... / مهدی مردانی گلستانی..... ۱۶۳

جنگ جمل ونحوه برخورد ایشان با اهل بصره استناد می‌کند و حرمت تصرف در اموال شورشیان را نتیجه می‌گیرد. وی چنین استدلال می‌کند که اموال باغیان نباید تقسیم شود، زیرا این اقدام برخلاف رویه امام علی علیه السلام در جنگ جمل بوده و با موازین اسلامی سازگار نیست (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۴).

۲-۱-۴. دوره افول

علی‌رغم پیدایش رویکرد فقهی به سیره معصومان، فقیهان شیعه در قرن نهم هجری، مانند فاضل مقداد (۸۲۶ق)، ابن فهد حلی (۸۴۱ق) و ابن ابی‌جمهور احسانی (زنده در ۹۰۴ق)، اهتمام چندانی به این منبع نشان ندادند و از واژه «سیره» در فرایند استنباط احکام شرعی بهره نگرفتند.

۲-۱-۵. احیای دوباره

پس از آنکه فقیهان شیعه در قرن نهم هجری از به‌کارگیری واژه «سیره» فاصله گرفتند، در قرن دهم هجری دوفقیه برجسته شیعه باردیگر به بهره‌گیری از این واژه روی آوردند. چنان‌که محقق اردبیلی (۹۹۳ق) در کتاب «مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان» و شهید ثانی (۹۶۶ق) در شماری از آثار خود، همچون کتاب «مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام»، کتاب «الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة» و کتاب «صلاة الجمعة»، با بهره‌گیری از واژه «سیره» به استنباط آموزه‌های فقه عبادی پرداخته‌اند. این دوفقیه با احیای نقش واژه «سیره» در تبیین احکام شرعی، در حقیقت زمینه را برای استمرار بهره‌گیری فقهی از سیره هموار ساختند.

برای نمونه، محقق اردبیلی در کتاب الجهاد، در بحث مالکیت زمین‌های موات و در پاسخ به این سؤال که آیا در زمان غیبت، احیای زمین‌های موات (زمین‌های بدون مالک و بدون آبادانی) موجب مالکیت شخص احیاکننده می‌شود یا خیر، از سیره اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۴۸۰).

شهید ثانی (۹۶۶ق) در سه موضوع مختلف به واژه «سیره» استناد کرده و با بهره‌گیری از رفتار معصومان، به استنباط آموزه‌های فقه عبادی می‌پردازد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۹۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۰۸؛ شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۲۷). برای

۱۶۴ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۵، ش ۱۲

نمونه، وی در کتاب الصلاة، در موضوع «شرط اذن امام برای اقامه نماز جمعه»، با استناد به سیره امام علی علیه السلام در زمان خلافت، آن را دلیلی بر عدم اشتراط اذن امام علیه السلام می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۲۷).

۲-۱-۶. افول مجدد

قرن یازدهم هجری شاهد حضور فقیهان نامداری همچون سید محمد موسوی عاملی معروف به صاحب مدارک (۱۰۰۹ق)، حسن بن زین الدین عاملی معروف به صاحب معالم (۱۰۱۱ق)، محمدتقی مجلسی (۱۰۷۰ق)، محقق سبزواری (۱۰۹۰ق) و فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) است. با این حال، بررسی آثار فقهی این دوره نشان می‌دهد که بهره‌گیری مستقیم از واژه «سیره» در فرایند استنباط، نسبت به برخی دوره‌های پیشین، کم‌فروغ‌تر بوده است.

۲-۱-۷. تجدید حیات

پس از آنکه بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» در سده یازدهم هجری دچار رکود می‌شود، در قرن دوازدهم هجری محدث بحرانی (۱۱۸۶ق) در برخی از آثار خود، مانند «الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة» و کتاب «الأنوار الحیریه والأقمار البدریه الأحمدیه»، بار دیگر بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» را احیا می‌کند. برای نمونه، محدث بحرانی در کتاب الزکاة، درباره حکم دریافت زکات توسط امام معصوم یا نایب وی، از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام استفاده کرده و قائل به وجوب شده است (محدث بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۲۳).

۲-۲. دوره رونق

دومین دوره بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره»، با اقبال فزاینده فقها روبه‌رو می‌شود و استفاده آنان از این واژه به شکل چشم‌گیری گسترش می‌یابد. نشانه روشن این تحول، افزایش تعداد فقیهان شیعه و کثرت استنادات آنان به واژه «سیره» است؛ چنان‌که از میان ۳۵ فقیهی که در قرن سیزدهم تا پانزدهم هجری به واژه «سیره» استناد کرده‌اند، ۲۹ نفر متعلق به این دوره‌اند و از مجموع ۱۰۹ مورد استناد به واژه «سیره»، ۹۷ مورد (۸۹ درصد) در این مقطع تاریخی رخ داده است.

۲-۲-۱. نقطه عطف

قرن سیزدهم هجری را می‌توان نقطه عطف بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» دانست؛ زیرا استفاده فقهی از این واژه در این قرن نسبت به سده پیشین رشد فزاینده‌ای داشته و از یک نفر به نه نفر ارتقا یافته است. چنان‌که بزرگانی همچون سید مهدی بحر العلوم (۱۲۱۲ق)، سید جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه (۱۲۲۶ق)، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۲۸ق)، سید علی طباطبایی معروف به صاحب ریاض (۱۲۳۱ق)، میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۳۱ق)، ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ق) و محمد حسن نجفی صاحب جواهر (۱۲۶۶ق) از جمله فقهایی هستند که از واژه «سیره» بهره گرفته‌اند.

سید بحر العلوم (۱۲۱۲ق) از نخستین فقیهان شیعه در قرن سیزدهم است که به واژه «سیره» توجه نشان داده است. وی در کتاب «مصاییح الأحکام»، در مباحثی از کتاب الطهارة، همچون «جواز ورود جنب به مشاهد مشرفه» و «طهارت آب چاه متنجس»، از واژه «سیره» استفاده کرده است. برای نمونه، ایشان در موضوع ملاقات آب چاه با نجاست، با بهره‌گیری از سیره رسول خدا ﷺ حکم به طهارت آن داده و کشیدن آب چاه را به عنوان یک عمل مستحب مطرح کرده است (بحر العلوم، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۴۵).

میرزای قمی (۱۲۳۱ق) از دیگر فقیهان قرن سیزدهم است که در کتاب «غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام» در موضوعاتی از کتاب الجهاد، مانند «تصرف در اموال اهل بغی»، و نیز در کتاب الخمس، مانند «مصرف خمس در زمان غیبت»، از واژه «سیره» استفاده کرده است. برای نمونه، وی در باب «مصرف خمس در زمان غیبت»، با استناد به واژه «سیره»، این نظر را ترجیح می‌دهد که خمس در زمان غیبت باید برای فقرای بنی‌هاشم مصرف شود (میرزای قمی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۹۲).

محمد حسن نجفی معروف به صاحب جواهر (۱۲۶۶ق) از آخرین فقیهان شیعه در قرن سیزدهم است که از سیره برای استنباط حکم شرعی استفاده کرده است. وی در کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام» قریب به شش مرتبه در موضوعاتی نظیر «جواز تولیت صاحب مال در مصرف زکات»، «حکم به طهارت مخالفان اهل بیت»، «وجوب کفایی جهاد» و «تصرف در اموال اهل بغی»، از واژه «سیره» بهره گرفته است. برای نمونه، وی در کتاب الطهارة، در مسئله طهارت مخالفان اهل بیت،

به سیره رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ استناد کرده و بیان می‌کند که اگر نجاست اعتقادی مخالفان حق صحیح بود، لازم بود پیامبر ﷺ و امام علیؑ از هرگونه تماس، معاشرت و هم‌زیستی با آنان اجتناب کنند؛ در حالی که سیره عملی ایشان نشان می‌دهد چنین پرهیزی وجود نداشته است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۵۹).

۲-۲-۲. دوره شکوفایی

قرن چهاردهم هجری، عصر شکوفایی بهره‌گیری فقها از واژه «سیره» است. در این سده، استفاده فقهی از این واژه به اوج خود می‌رسد و شمار فقیهان شیعه و میزان استنادات آنان به واژه «سیره» به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد؛ چنان‌که شمار فقیهان شیعه به ۱۴ نفر می‌رسد و تعداد استنادات آنان به سیره بالغ بر ۴۱ مورد می‌شود. در این قرن، بزرگانی همچون آقا رضا همدانی (۱۳۲۲ق)، آقا ضیاءالدین عراقی (۱۳۶۱ق)، محمدحسین اصفهانی (۱۳۶۱ق)، سید حسین بروجردی (۱۳۸۰ق)، سید محمد محقق داماد (۱۳۸۸ق)، سید محسن حکیم (۱۳۹۰ق) و سید هادی میلانی (۱۳۹۵ق) حضور داشته و از سیره برای استنباط احکام شرعی استفاده کرده‌اند.

آقا رضا همدانی (۱۳۲۲ق) از نخستین فقیهان شیعه در قرن چهاردهم است که به بهره‌گیری فقهی از سیره توجه نشان داده است. وی در کتاب «مصباح الفقیه» در مباحثی همچون «کفایت امثال امر در عبادات»، «وقت فضیلت نماز عصر»، «موارد جواز ترک اذان»، «عدم وجوب زکات بر کافر بعد از اسلام» و «حمل بر صحت اعمال مخالفان اهل بیت»، از واژه «سیره» استفاده کرده است.

برای نمونه، وی در کتاب الصلاة، در بحث کیفیت نیت در عبادات، به این مسئله می‌پردازد که آیا جزم به نیت در صحت عبادت شرط است یا آنکه می‌توان عبادت را با نوعی تردید انجام داد. در این زمینه، نویسنده به سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که در روش آنان برای آموزش احکام شرعی، چنین مسائلی (لزوم جزم به نیت) مطرح نبوده است؛ بلکه روش معمول در زمان ایشان این بوده که امثال او امر شرعی همانند امثال او امر عرفی در جامعه انجام شود (همدانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۷۵).

تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه... / مهدی مردانی گلستانی..... ۱۶۷

سید حسین بروجردی (۱۳۸۰ق) از دیگر فقیهان بزرگ شیعه در قرن چهاردهم است که اهتمام ویژه‌ای به واژه «سیره» داشته و در موارد متعدد از آن بهره گرفته است. ایشان در سه کتاب «نهایة التقرير» (۳ مرتبه)، «البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر» (۲ مرتبه) و «تبیان الصلاة» (۲ مرتبه)، در موضوعاتی مانند «تفریق نوافل وارده در وقت واحد»، «جهر در قرائت نماز جمعه»، «اختصار در نافله ظهر و عصر»، «اقامة نماز جمعه توسط امام یا نایب وی»، «ارائه خطبه نماز جمعه در حال قیام»، «خواندن نماز نافله در وقت فرائض» و «تفریق بین نافله‌های ظهر و عصر»، از واژه «سیره» استفاده کرده است.

برای نمونه، ایشان در کتاب الصلاة، در بحث «جهر در نماز جمعه»، به سیره رسول خدا ﷺ استناد کرده و آن را دلیلی بر وجوب جهر در قرائت نماز جمعه دانسته است (بروجردی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۷۷).

۲-۲-۳. استمرار حرکت پیشین

در ادامه روند روبه رشد بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره»، قرن پانزدهم هجری نیز نقش مؤثری در تداوم رویکرد یادشده داشته و شمار قابل توجهی از فقیهان شیعه به این اصطلاح توجه نشان داده‌اند. چنان‌که بزرگانی همچون سید محمد باقر صدر (۱۴۰۰ق)، سید احمد خوانساری (۱۴۰۵ق)، شیخ مرتضی حائری یزدی (۱۴۰۶ق)، شیخ علی کاشف الغطاء (۱۴۱۱ق)، میرزا هاشم آملی (۱۴۱۳ق) و سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ق) از جمله فقیهان این عصر بوده‌اند که به بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» پرداخته‌اند.

سید احمد خوانساری (۱۴۰۵ق) از نخستین فقیهان شیعه در قرن پانزدهم است که در کتاب «جامع المدارک فی شرح مختصر النافع» در موضوعاتی چون «عدم اجتناب از نجس در شبهه غیر محصوره» و «شرایط وجوب امر به معروف»، به بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» پرداخته است. برای نمونه، وی در کتاب الزکاة و در بحث «اوصاف مستحقین زکات»، به بررسی شرط عدالت می‌پردازد و بر پایه واژه «سیره» به عدم لزوم آن رأی می‌دهد (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۷).

شیخ مرتضی حائری یزدی (۱۴۰۶ق)، از فقیهان شیعه در قرن پانزدهم هجری، در

فرایند استنباط آموزه‌های فقه عبادی، سیره معصوم را به عنوان یکی از منابع استنباط مورد توجه قرار داده است. وی در دواثر «صلاة الجمعة» و «شرح العروة الوثقی»، مباحثی همچون «تقدیم خطبه بر نماز جمعه» و «کفایت شهادتین در اسلام کافر» را بر اساس واژه «سیره» بررسی کرده است. برای نمونه، ایشان در کتاب الصلاة، در بحث «لزوم تقدیم خطبه بر نماز جمعه»، به ادله‌ای استناد کرده که نخستین آن‌ها سیره رسول خدا ﷺ است (حائری یزدی، ۱۴۱۸، ص ۱۹۹).

سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ق) در میان فقیهان قرن پانزدهم هجری، بیشترین میزان استفاده از واژه «سیره» را داشته است. وی در آثار متعدد خود مانند «موسوعة الإمام الخوئي»، «التنقيح في شرح العروة الوثقی»، «المستند في شرح العروة الوثقی»، «فقه الشيعة» و «مبانی تکملة المنهاج»، بالغ بر ۱۵ مرتبه از واژه «سیره» استفاده کرده و در موضوعاتی مانند «جواز ترک اذان نماز عصر»، «استحباب نماز میت به جماعت»، «حکم سلام مردان بر زنان نامحرم»، «شرط اذن امام در وجوب نماز جمعه»، «تعداد نوافل یومیه»، «حکم مسح سر از بالا به پایین»، «لزوم اظهار شهادتین در اسلام کافر»، «عدم تکلیف کافر به فروع» و «تصرف در اموال اهل بغی» به بهره‌گیری فقهی از آن پرداخته است. برای نمونه، ایشان در کتاب الصلاة برای اثبات مشروعیت «نماز میت به جماعت»، از واژه «سیره» استفاده کرده و حکم به استحباب آن داده است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۲۰۷).

با توجه به مجموع استنادات فقیهان شیعه به واژه «سیره»، از میان ابواب مختلف فقه عبادی، سه موضوع طهارت با ۳۷ درصد، صلات با ۲۴ درصد و جهاد با ۱۰ درصد، به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

۳. ادله فراز و فرود واژه «سیره»

یکی از مسائل کلیدی در هر تحقیق، پرسش از چرایی پدیده‌ها و پی‌جویی علل وقوع آن‌هاست. با توجه به فراز و فرود بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره»، لازم است با تمرکز بر نقاط عطف این جریان علمی و طرح پرسش‌هایی بنیادین، دلایل رویکرد حداقلی یا حداکثری فقها به سیره معصوم تحلیل شود؛ از جمله اینکه:

تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه... / مهدی مردانی گلستانی..... ۱۶۹

۱. چرا قرن پنجم و ششم هجری - علی رغم حضور برخی فقیهان نامدار شیعه همچون شیخ طوسی - از استناد فقهی به واژه «سیره» تهی است؟
۲. چرا آغاز استناد به سیره در قرن هفتم و با محقق حلی صورت گرفت؟
۳. چرا توجه فقیهان شیعه به واژه «سیره» در قرن سیزدهم رونق یافت؟
۴. چرا بهره‌گیری برخی فقها - مانند شیخ انصاری - از واژه «سیره» اندک و برخی دیگر - مانند محقق بهبهانی - در حد نزدیک به عدم استعمال بوده است؟
۵. چرا سید ابوالقاسم خویی بیشترین سهم را در استناد به واژه «سیره» دارد؟

۳-۱. دلایل رکود

گفته شد که بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره» در قرون پنجم و ششم هجری چندان برجسته نبود و فقیهان شیعه در عمل اهتمام چندانی به این تعبیر نشان ندادند. برای دستیابی به علت این پدیده، گردآوری و تحلیل برخی اطلاعات زمینه‌ای ضروری است؛ از جمله اینکه چه فقیهانی در این دو قرن می‌زیسته‌اند، مهم‌ترین آثار فقهی آنان چه بوده است، چه اصطلاحات مشابهی را به جای سیره به کار گرفته‌اند و این مسئله در کتاب‌های اصولی ایشان چگونه انعکاس یافته است.

از این رو باید افزود که قرن پنجم هجری هم‌زمان با حضور فقیهانی همچون شیخ مفید (۴۱۳ق)، سید مرتضی (۴۳۶ق)، ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ق)، سلار دیلمی (۴۶۳ق) و ابن براج (۴۸۱ق) است و قرن ششم هجری نیز مصادف با دوره فقیهانی همچون فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ق)، قطب راوندی (۵۷۳ق)، ابن زهره (۵۸۵ق) و ابن ادریس حلی (۵۹۸ق) می‌باشد.

۳-۱-۱. عدم رواج «سیره» به عنوان اصطلاح علمی

نتیجه بررسی آثار فقیهان شیعه در قرون پنجم و ششم هجری نشان می‌دهد که واژه «سیره» در قرون یادشده به عنوان یک اصطلاح علمی رواج نداشته است و فقیهان شیعه برای بیان احکام مرتبط با سیره معصومان، از تعابیر جایگزین مانند «فعل» بهره می‌برده‌اند؛ چنان‌که این امر در آثار فقیهانی مانند سید مرتضی (سید مرتضی، ۱۴۱۵، ص ۲۵۴؛ سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۵۸؛ سید مرتضی، ۱۴۱۷، ص ۱۸۷)، شیخ

۱۷۰ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۵، ش ۱۲

طوسی (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۲۹ و ج ۲، ص ۶۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۱۶، ج ۲، ص ۸ و ۱۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۲۸) و ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۸۴ و ۱۸۷) به وضوح مشاهده می‌شود. بهره‌گیری از تعبیری مانند «فعل النبی» و نیز اختصاص فصلی مستقل به بحث «افعال»^۱ در آثار فقهی و اصولی آنان، از جمله شواهد روشن این امر به شمار می‌آید.

۳-۱-۲. ابتکار عمل شخصی در بهره‌گیری از سیره

بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» در قرن هفتم و با محقق حلی آغاز می‌شود. تأخیر بیش از دوسده در بهره‌گیری از این واژه و نیز آغاز این جریان علمی با محقق حلی (۶۷۶ ق)، از جمله پرسش‌هایی است که شایسته بررسی و علت‌یابی است. با این حال، پیش از تحلیل علت این پدیده، باید یادآور شد که مقصود از عدم بهره‌گیری از واژه «سیره» در متون فقهی شیعه، عدم به کارگیری این واژه در کتاب‌های «فقه استدلالی» است؛ آثاری که در دوران غیبت کبری نگاشته شده و در آن‌ها برای اثبات یا رد یک دیدگاه فقهی به «سیره» استناد نشده است. وگرنه، کاربرد واژه «سیره» در متون روایی شیعه امری رایج بوده و حتی در برخی از کتاب‌های فقه مآثور نیز مورد استفاده قرار گرفته است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۴۶).
براین اساس، محقق حلی نخستین فقیهی است که واژه «سیره» را به عنوان یک اصطلاح علمی وارد ادبیات فقه شیعه کرده است. در این خصوص، نکاتی چند حائز اهمیت است؛ از جمله اینکه محقق حلی در دو مورد با لفظ «سیره» از رفتار معصوم یاد کرده و برای تأیید دیدگاه خویش بدان استناد جسته است: یکی در موضوع «تصرف در اموال اهل بغی» که به سیره امیرالمؤمنین علیه السلام استناد می‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۰۸)، و دیگری در بحث «اقسام انفال» که با بهره‌گیری از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، «اموال اختصاصی پادشاهان» را نیز متعلق به معصوم می‌شمارد (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۳).

۱. چنان که سید مرتضی در کتاب الذریعة إلى أصول الشریعة (ج ۲، ص ۸۸) و شیخ طوسی در کتاب العدة فی أصول الفقه (ج ۲، ص ۵۶۴) بابتی با عنوان «الكلام فی الأفعال» گشوده و به بررسی خصوصیات افعال رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند.

تحلیل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه... / مهدی مردانی گلستانی..... ۱۷۱

با این همه، وی در اکثر موارد (بالغ بر هفت مرتبه) برای استناد به سیره معصوم از لفظ «فعل» استفاده می‌کند؛ برای نمونه، در موضوعاتی نظیر آداب وضو (محقق حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۵)، لباس نمازگزار (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۳) و قرائت نماز (محقق حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۳) به فعل رسول خدا ﷺ استناد کرده و بر پایه آن استدلال می‌کند. او همچنین در باب پنجم از کتاب اصولی خود به نام «معارج الأصول» (محقق حلی، بی تا، ص ۱۷۰)، به بررسی «افعال النبوی» پرداخته و مسائلی چون حکم تأسی به فعل النبوی، وجوه افعال النبوی و حکم تعارض میان فعل و قول ایشان را مورد بحث قرار می‌دهد.

از این رو، به نظر می‌رسد که کاربرد اصطلاح «سیره» در مباحث فقهی نیز از ابتکارات محقق حلی و حاصل تدبیر علمی او در دانش فقه است؛ چنان که اصطلاحاتی مانند «الأولی» (دیدگاهی که ترجیح دارد)، «الأنسب» (آنچه با ادله فقهی هماهنگ تر است) و «الأشهر» (مشهورتر) نیز برای نخستین بار در کتاب «شرائع الإسلام» مطرح شد و فقیهان بعدی نیز از آن پیروی کردند (افراخته، ۱۳۹۸، ص ۷۳۷-۷۳۸). به واقع، محقق حلی در بهره‌گیری از اصطلاح جدیدی مانند «سیره» دارای کارنامه و پیشینه‌ای روشن است؛ چنان که نوآوری در تنظیم و تبویب ابواب فقهی^۱ و نیز تأثیرگذاری در تغییر نظام اعتبارسنجی احادیث،^۲ از جمله این سوابق به شمار می‌آید.

۳-۱-۳. عدم باور به کارآمدی سیره در فقه

نخستین دوره از بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره»، با کاهش توجه فقیهان شیعه

۱. به گفته مدرسی طباطبایی، محقق حلی ساختاری منسجم و منطقی از فقه شیعه ارائه داد و آن را از پراکندگی درآورد. وی برای نخستین بار در کتاب شرایع، مسائل فقهی را در چهاربخش عبادات، معاملات، عقود و احکام تنظیم نمود که فقیهان بعدی نیز از او پیروی کردند. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸، ص ۲۱).

۲. چنان که علامه حلی و ابن داود حلی که از مروّجان مکتب حدیثی حله به شمار می‌آیند، از شاگردان محقق حلی بوده و بیشترین تأثیر را از وی پذیرفتند. (حسین پوری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵) همچنین، نخستین نشانه‌های تغییر رویکرد فقها در ارزیابی احادیث از «متن محوری» به «سند محوری»، در آثار محقق حلی آشکار گردید (حسین پوری، ۱۳۹۰، ص ۲۷۱ و ۲۷۲).

مواجه می‌گردد و بهره‌گیری از سیره به صورت حداقلی انجام می‌شود. این وضعیت نه تنها در قرون آغازین (یعنی قرن پنجم و ششم هجری) رخ می‌دهد، بلکه در قرون نهم و یازدهم نیز تکرار می‌گردد و جریان بهره‌گیری از واژه «سیره» در برهه‌ای از تاریخ متوقف می‌شود؛^۱ حتی با وجود اقبال فقیهان شیعه به واژه «سیره» از سده سیزدهم به بعد، برخی از ایشان به صورت محدود^۲ و برخی دیگر بدون استناد به این واژه، به استنباط احکام می‌پردازند.^۳

دلیل این امر را می‌توان در «عدم باور به کارآمدی سیره در فقه» خلاصه کرد؛ زیرا بررسی آرای کسانی که سهم اندکی در بهره‌گیری از سیره دارند، نشان می‌دهد آنان عموماً بر مبانی و باورهایی تکیه دارند که نتیجه آن، بی‌اعتنایی به سیره معصوم به عنوان منبعی دینی است؛ باورهایی نظیر:

۱. پیروی از مکتب اصولی در برابر مکتب اخباری (قیصری، ۱۳۹۹، ج ۷، ص ۲۱)؛
۲. عدم نقش‌آفرینی سیره در جایگاه یک منبع مستقل دینی (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷)؛

۳. محدودیت دلالت سیره بر حکمی فراتر از اباحه (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۳).
افزون بر آن، برخی از ایشان آرای خود درباره سنت فعلی را در کتاب‌های اصول فقه نیز تبیین کرده‌اند. اینان با رویکردی حداقلی، کارکرد دلالتی فعل را به چالش کشیده و با تقسیم افعال معصوم به تشریحی و غیرتشریحی، در امکان استنباط از فعل معصوم تردیدهای جدی وارد ساخته‌اند (نراقی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۱۵؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۴۳۷).

۱. در این مقطع، بزرگانی چون فاضل مقداد و ابن فهد حلی در قرن نهم و عالمانی مانند موسوی عاملی، شیخ بهایی، محمدتقی مجلسی، محقق سبزواری و فیض کاشانی در قرن یازدهم می‌زیسته‌اند.
۲. چنان که آخوند خراسانی، سید محمدکاظم یزدی و آقا ضیاء الدین عراقی در قرن چهاردهم تنها یک مرتبه به سیره معصوم استناد کرده‌اند.
۳. برای نمونه فاضل آبی از قرن هفتم، محقق کرکی از قرن دهم، فیض کاشانی از قرن یازدهم و محمدباقر بهبهانی از قرن سیزدهم از این گروه‌اند.

۳-۲. دلایل رونق

دومین دوره از بهره‌گیری فقهی از واژه «سیره»، با اقبال فراینده فقیهان شیعه روبه‌رو می‌شود و بهره‌گیری آنان از سیره به‌طور چشمگیری گسترش می‌یابد. در این میان، قرن سیزدهم هجری به دلیل افزایش قابل توجه استنادات فقهی به واژه «سیره»، در مقایسه با سده‌های پیشین، نقطه عطف این جریان به‌شمار می‌رود. در این سده، بزرگانی همچون سید مهدی بحر العلوم (۱۲۱۲ق)، سید جواد عاملی (۱۲۲۶ق)، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۲۸ق)، سید علی طباطبایی (۱۲۳۱ق)، میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۳۱ق)، ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ق) و محمد حسن نجفی (۱۲۶۶ق) می‌زیسته‌اند.

۳-۲-۱. تغییر نگرش نسبت به کارایی فعل معصوم

با توجه به حضور فقیهان یادشده در قرن سیزدهم، دلیل این رونق علمی را باید در مبانی و آرای آنان جست‌وجو کرد. برای نمونه، «تبیین و تشریح مسائل مربوط به فعل معصوم» از جمله عواملی است که موجب افزایش جایگاه سیره در استنباط آموزه‌های فقه عبادی و زمینه‌سازی بهره‌گیری بیشتر فقها از آن گردید؛ چنان‌که وحید بهبهانی (۱۲۰۵ق) در «الفوائد الحائریة»، ملا مهدی نراقی (۱۲۰۹ق) در «تجرید الأصول»، میرزای قمی (۱۲۳۱ق) در «القوانین المحکمة» و محمد حسین حائری اصفهانی (۱۲۵۴ق) در «الفصول الغروية»، از جمله فقیهانی هستند که با طرح و تبیین مسائل زیر، زمینه رونق مباحث مربوط به فعل معصوم و در نتیجه خروج سیره از انزوای علمی را فراهم کردند: ۱. قلمرو حجیت فعل معصوم، ۲. گستره دلالت فعل معصوم، ۳. امکان تعارض بین افعال معصوم، ۴. تقریر معصوم، ۵. امکان نسخ و تخصیص با فعل، ۶. اصل تشریح در فعل معصوم، ۷. وجوه فعل معصوم (وحید بهبهانی، ۱۴۱۵، ص ۳۱۵-۳۱۹؛ نراقی، ۱۳۸۴، ص ۶۷-۷۱؛ میرزای قمی، ۱۴۳۰، ص ۵۵-۵۶۷؛ حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۳۱۳-۳۱۶).

۳-۲-۲. تثبیت جایگاه سیره به‌عنوان منبعی دینی

در میان فقیهان شیعه، سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۳ق) بیش از دیگران از واژه «سیره» استفاده کرده است. وی در آثار متعدد خویش بالغ بر ۱۵ مرتبه به واژه «سیره»

استناد کرده است. پس از ایشان، سید محمد محقق داماد (۱۳۸۸ق) با ۹ مرتبه و سید حسین بروجردی (۱۳۸۰ق) با ۷ مرتبه استناد، در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. تفاوت چشمگیر در میزان استنادات خوبی به واژه «سیره» در مقایسه با دیگر فقیهان شیعه، بیش از هر امر دیگری ناشی از نگاه مبنایی وی به سیره به عنوان یک منبع معتبر دینی است. هرچند در سنت فقهی شیعه، سیره معصوم معمولاً ذیل عنوان «سنت» و به مثابه مؤید و شاهد در استنباط مطرح بوده است، اما خوبی با بهره‌گیری مکرر و گسترده از آن، عملاً بر استقلال و کارآمدی سیره در فرایند اجتهاد تأکید ورزیده است.

از این منظر، کثرت ارجاعات او را نه صرفاً یک امر آماری، بلکه باید نشانه‌ای از تلاش وی برای تثبیت جایگاه سیره در هندسه ادله اجتهادی دانست؛ تلاشی که در مقایسه با رویکرد فقیهانی همچون محقق داماد و سید محسن حکیم، آشکارتر و برجسته‌تر جلوه می‌کند.

نتیجه‌گیری

بهره‌گیری فقیهان شیعه از واژه «سیره» دو دوره متفاوت داشته است: یکی سده ۵ تا ۱۲ هجری و دیگری سده ۱۳ تا ۱۵ هجری. دوره نخست، با کاهش اقبال فقیهان شیعه مواجه می‌گردد و استفاده فقهی از سیره به صورت حداقلی انجام می‌شود؛ اما دوره دوم، با اقبال فزاینده فقیهان شیعه روبه‌رو می‌شود و استفاده آنان از واژه «سیره» به شکل چشمگیری گسترش می‌یابد.

این امر در ۹ موضوع کلان و ۵۹ موضوع خرد از آموزه‌های فقه عبادی صورت می‌گیرد که از میان آن‌ها، سه موضوع طهارت با ۲۲ مورد (۳۷ درصد)، صلاة با ۱۴ مورد (۲۴ درصد) و جهاد با ۶ مورد (۱۰ درصد)، به ترتیب بیشترین فراوانی را از حیث میزان استناد به واژه «سیره» به خود اختصاص داده‌اند. این رخداد متأثر از مجموعه عواملی است که مهم‌ترین آن «باور به کارآمدی سیره در فقه» است؛ عاملی که در نهایت به تثبیت جایگاه سیره در ادبیات فقیهان شیعه و ارتقای جایگاه آن از یک واژه دینی به یک اصطلاح علمی انجامیده است.

جدول موضوعات فقه عبادی

ردیف	موضوع کلان	موضوع خرد	تعداد	درصد
۱	کتاب الصلاة	اتحاد خطیب و امام جمعه	۲۲	۳۷٪
۲		اختصار نوافل ظهر و عصر		
۳		اخفات در نماز ظهر و عصر		
۴		اذن امام در وجوب نماز جمعه		
۵		ارائه خطبه نماز جمعه در حال قیام		
۶		استعاذه قبل قرائت نماز		
۷		امامت نماز جمعه		
۸		ترک نوافل به خاطر فرائض		
۹		تعداد نوافل یومیه		
۱۰		تفریق بین نوافل		
۱۱		تقدیم خطبه بر نماز جمعه		
۱۲		جهر در قرائت نماز جمعه		
۱۳		خواندن نماز میت به جماعت		
۱۴		خواندن نماز نافله در وقت فرائض		
۱۵		صلوات در تشهد نماز		
۱۶		عبادت در مکان های عمومی		
۱۷		فهم و عمل به قرآن		
۱۸		فوریت جواب سلام در نماز		
۱۹		موارد ترک اذان نماز		
۲۰		کیفیت نیت		

ردیف	موضوع کلان	موضوع خرد	تعداد	درصد
۲۱		وجوب نماز جمعه		
۲۲		وقت فضیلت نماز عصر		
۲۳		استعمال ظروف طلا و نقره		
۲۴		تعداد کفن میت		
۲۵		طهارت آب چاه		
۲۶		طهارت اشاعره		
۲۷		طهارت غیر امامیه		
۲۸		طهارت مخالفان اهل بیت		
۲۹	کتاب	طهارت ولد الزنا	۱۴	۲۴٪
۳۰	الطهارة	عدم مباشرت در وضو		
۳۱		غسل میت غیر مؤمن		
۳۲		کفایت شهادتین در اسلام کافر		
۳۳		مسح سراز بالا به پایین		
۳۴		نجاست در شبهه غیر محصوره		
۳۵		نجاست غلات و مفوضه		
۳۶		ورود جنب به مشاهد مشرفه		
۳۷		اراضی مفتوحه عنوه		
۳۸		اراضی مفتوحه غیر عنوه		
۳۹	کتاب	اموال اهل بغی	۶	۱۰٪
۴۰	الجهاد	تقسیم غنیمت		
۴۱		جهاد ابتدایی با کفار		

ردیف	موضوع کلان	موضوع خرد	تعداد	درصد
۴۲		وجوب کفایی جهاد		
۴۳	کتاب الزکاة	تسلیم زکات به امام یا نائب	۵	۸٪
۴۴		تکلیف زکات کفار بعد اسلام		
۴۵		تولی صاحب مال در مصرف زکات		
۴۶		شرایط مستحقین زکات		
۴۷		نحوه انتخاب نصاب زکات حیوان		
۴۸	کتاب الخمس	اخبار حلیت خمس	۴	۷٪
۴۹		اقسام انفال		
۵۰		تعلق خمس به معدن قبل تصفیه		
۵۱		مصرف خمس در زمان غیبت		
۵۲	کتاب الحج	ترتیب اعمال در روز قربانی	۴	۷٪
۵۳		ترجیح حلق بر تقصیر در حج		
۵۴		غسل قبل رمی جمرات		
۵۵		فضیلت اقامه نماز ظهر در منی		
۵۶	کتاب الصوم	قضاء عبادت کافر بعد اسلام	۲	۳٪
۵۷		عدم تکلیف کافر به فروع		
۵۸	کتاب الإعتکاف	محرمات اعتکاف	۱	۲٪
۵۹	کتاب الأمر بالمعروف	شرایط وجوب امر به معروف	۱	۲٪

فهرست منابع

۱. ابن زهره، حمزه بن علی. (۱۴۱۷ق). *غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع*. قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
۲. ابن بابويه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). *کتاب من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. افراتخته، محمد حسین. (۱۳۹۸ش). «شرايع الاسلام». *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۵. بحر العلوم، سید مهدی. (۱۴۲۷ق). *مصاییح الأحکام*. قم: منشورات میثم التمار.
۶. بروجردی، حسین. (۱۴۲۸ق). *نهایة التقرير*. قم: مرکز فقه أئمة أطهار.
۷. حائری اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۰۴ق). *الفصول الغروية فی الأصول الفقهية*. قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه.
۸. حائری یزدی، مرتضی. (۱۴۱۸ق). *صلاة الجمعة*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۰. حسین پوری، امین. (۱۳۹۰ش). *انديشه شناسی محدثان حله*. قم: دار الحديث.
۱۱. حلبی، تقی بن نجم. (بی تا). *الکافي في الفقه*. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین عليه السلام.
۱۲. خوانساری، سید احمد. (۱۴۰۵ق). *جامع المدارك في شرح مختصر النافع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئي*. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامية.
۱۵. راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن*. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی.
۱۶. سید مرتضی، علی بن الحسین. (۱۳۸۷ش). *جمل العلم والعمل*. نجف اشرف: مطبعة الآداب.
۱۷. سید مرتضی، علی بن الحسین. (۱۴۰۵ق). *رسائل الشريف المرتضى*. قم: دار القرآن الکریم.
۱۸. سید مرتضی، علی بن الحسین. (۱۴۱۵ق). *الإنتصار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. سید مرتضی، علی بن الحسین. (۱۴۱۷ق). *مسائل الناصريات*. تهران: مدیریة الترجمة والنشر.
۲۰. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). *الدروس الشرعية فی الفقه الإمامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة المشقیة*. قم: کتابفروشی داوری.

- تحليل بسامد واژه «سیره» در ادبیات فقیهان شیعه... / مهدی مردانی گلستانی..... ۱۷۹
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۲۱ق). رسائل الشهيد الثاني. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵ش). تهذيب الأحكام. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). الخلاف. تهران: مكتبة المرتضويه.
۲۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). المبسوط في فقه الإمامية. تهران: مكتبة المرتضويه.
۲۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۰ق). المؤلف من المختلف بين أئمة السلف. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب في تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
۳۰. عمانی، حسن بن علی. (۱۴۱۳ق). حياة ابن أبي عقيل وفتحه. قم: مرکز معجم فقهی.
۳۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحيط. بیروت: دارالکتب العلمية.
۳۲. قیصری، احسان. (۱۳۹۹ش). «اخباریان». دایرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳۳. محدث بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۳۶۳ش). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۴. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ق). المعتبر في شرح المختصر. قم: مؤسسه سيد الشهداء.
۳۵. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۶. محقق حلی، جعفر بن حسن. (بی تا). معارج الأصول. قم: مؤسسه آل البيت.
۳۷. مدرسی طباطبایی، سیدحسین. (۱۳۶۸ش). مقدمه ای بر فقه شیعه. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳۸. مردانی گلستانی، مهدی. (۱۳۹۸ش). توسعه استنباط از فعل معصوم. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳۹. موسوی قزوینی، علی. (۱۴۲۷ق). تعلیقة علی معالم الأصول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). غنائم الأيام في مسائل الحلال والحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۱. میرزای قمی، ابوالقاسم. (۱۴۳۰ق). القوانين المحكمة في الأصول. قم: احیاء الکتب الاسلامیه.

۱۸۰ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۵، ش ۱۲

۴۲. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۴۳. نراقی، محمد مهدی. (۱۳۸۴ش). *تجريد الأصول*. قم: سید مرتضی.

۴۴. نراقی، محمد مهدی. (۱۴۳۰ق). *أنیس المجتهدین*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۴۵. وحید بهبهانی، محمدباقر. (۱۴۱۵ق). *الفوائد الحائریة*. قم: مجمع الفکر الإسلامی.

۴۶. همدانی، آقارضا. (۱۴۱۶ق). *مصباح الفقیه*. قم: مؤسسه الجعفریة لإحیاء التراث.